

A Comparative Study of Iran and China's Perspectives on the Liberal International Order and Its Impact on Bilateral Relations

Nozar Shafiee¹, Roya Salimi²

DOI: [10.48308/piaj.2024.235303.1517](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.235303.1517) Received: 2024/4/7 Accepted: 2024/12/18

Original Article

Extended Abstract

Introduction: This article critiques the prevalent perception within Iran's decision-making apparatus and among some academic elites that Iran-China relations are progressing at a high level with no significant limitations. To challenge this notion, the article presents statistical data and figures on the volume of Chinese investment in Iran and China's unexpected positions on certain sensitive issues concerning Iran. The central question posed is: why are relations between the two countries facing significant obstacles? The article argues that, although various factors contribute to China's lack of motivation in deepening ties with Iran, a key reason lies in the differing approaches of the two nations toward the liberal international order. While Iran adopts a *revolutionary revisionist* stance, China takes a *reformist revisionist* approach. To explore this issue, the article is structured into three main sections. First, it defines the liberal international order and its key components. Second, it examines the perspectives of Iran and China on these components to identify the differences and similarities between their views. Finally, it analyzes how these divergences and commonalities have impacted the stagnation in relations between the two nations.

Methods: This study employs a comparative method with a descriptive-analytical approach. The liberal international order serves as the central framework for analysis. The perspectives of Iran and China toward this order are compared to assess how their differences and similarities influence the dynamics of their bilateral relations.

Results and Discussion: Differences in how Iran and China perceive the liberal international order are a key factor contributing to the slowdown in their bilateral relations. Iran

1 .Associate Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran (Corresponding author). Email: Nozarshafiee@ut.ac.ir.

2 .Ph.D. in International Relations, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran, Email: Roya.Sali@yahoo.com.



adopts a *revolutionary revisionist* stance, fundamentally challenging the structure of the liberal order, whereas China takes a *reformist revisionist* approach, seeking to adjust and improve the existing framework rather than overthrow it. This divergence has led China to exercise caution at critical junctures in its relationship with Iran. The findings of this article indicate that China's success on the global stage is largely attributed to its strategic alignment with the liberal international order. As a result, Beijing is unwilling to compromise its broader interests to accommodate Iran's more radical stance toward the international system.

Conclusion: The Islamic Republic of Iran has placed significant emphasis on its partnership with China as part of its foreign policy strategy, driven largely by its ideological and geopolitical conflict with the West. However, China's perspective on the liberal international order differs fundamentally from Iran's. Moreover, China often views Iran's revolutionary approach to the global order as counterproductive to its own interests. China's positions on issues such as Iran's nuclear program, its conflict with the United States, and its relationships with other Middle Eastern nations underscore the limits of Sino-Iranian cooperation. While Iran views China as a counterbalance to the West, Beijing prioritizes its pragmatic and globally aligned approach, which frequently results in policies unfavorable to Iran.

Keywords: International order, reformist revisionism, revolutionary revisionism, global security initiative, global development initiative.

Citation: Shafiee, Nozar & Salimi, Roya. 2024. A Comparative Study of Iran and China's Perspectives on the Liberal International Order and Its Impact on Bilateral Relations , Political and International Approaches, Winter, Vol 16, No 4, PP 51-73.



بررسی مقایسه‌ای دیدگاه ایران و چین درباره نظم بین‌المللی لیبرال و تأثیر آن بر روابط دو کشور

نوذر شفیعی^۱ و رویا سلیمی^۲

DOI: [10.48308/piaj.2024.235303.1517](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.235303.1517)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: این مقاله در پی نقد این تصور عمومی در میان دستگاه تصمیم‌گیری ایران و حتی بعضی از نخبگان علمی است که روابط ایران و چین در حد اعلا رو به پیش است و محدودیتی برای آن وجود ندارد. از این رو مقاله پس از ارائه آمار و ارقام درباره حجم سرمایه‌گذاری چین در ایران و نیز اتخاذ مواضع غیرقابل انتظار از سوی چین درباره بعضی از مسائل حساس ایران، این پرسش را مطرح کرده که اساساً چرا روابط دو کشور در مسیر خود با موانع جدی مواجه می‌شود؟ این مقاله معتقد است اگرچه ممکن است بی‌انگیزگی چین در گسترش مناسبات با ایران علل مختلفی داشته باشد، اما تفاوت در رویکرد ایران و چین به نظم بین‌المللی لیبرال یکی از علل‌های مهم آن است. در حالی که ایران یک تجدیدنظرطلب انقلابی است چین یک تجدیدنظرطلب اصلاحی است. برای بررسی بیشتر موضوع، این مقاله ابتدا به این پرسش پاسخ می‌دهد که نظم بین‌المللی لیبرال چیست و اجزای آن کدام است؟ در گام بعدی نگاه ایران و چین به اجزای نظم را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به وجوه تفاوت و تشابه نگاه دو کشور پی ببرد. در گام سوم این موضوع را بررسی خواهد کرد که تفاوت و تشابه دیدگاه ایران و چین چگونه بر کاهش سطح روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است؟

روش‌ها: روش این مقاله روش مقایسه‌ای و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی است. برای این منظور نظم بین‌المللی لیبرال بعنوان موضوع اصلی مطرح شده و سپس دیدگاه ایران و چین نسبت به آن مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت و تشابه ایران و چین نسبت به نظم بین‌المللی لیبرال در دوری و نزدیکی روابط آنها تأثیرگذار قلمداد شده است.

یافته‌ها: تفاوت در نوع نگاه ایران و چین به نظم بین‌المللی لیبرال یکی از علل مهم در کندی روابط دو کشور

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). zarshafiee@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Roya.Sali@yahoo.com



است. ایران دارای رویکرد تجدیدنظرطلبی انقلابی به نظم لیبرال است، حال آنکه چین رویکرد تجدیدنظرطلبی اصلاحی به این نظم دارد و همین مساله باعث شده پکن در بزنگاه‌های استراتژیک در روابطش با ایران محتاطانه عمل کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد موفقیت امروزی چین در عرصه بین‌المللی مدیون همسویی آن با نظم بین‌المللی بوده و لذا پکن حاضر نیست منافع خود را قربانی دیدگاه رادیکال ایران نسبت به نظم بین‌المللی کند. **نتیجه‌گیری:** جمهوری اسلامی ایران به دلیل تعارض هویتی که با غرب دارد، پایه اصلی سیاست خارجی خود را بر چین استوار کرده است. اما دیدگاه چین نسبت به نظم بین‌المللی نه تنها با ایران متفاوت است، بلکه حتی چین دیدگاه ایران نسبت به نظم بین‌المللی را در بسیاری از مواقع به زیان خود تلقی می‌کند. موضع چین در قبال پرونده هسته‌ای ایران، تعارض امریکا و ایران، کیفیت روابط چین با کشورهای خاورمیانه بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و ... از جمله مواردی است که چرخش سیاست خارجی چین به زیان ایران را نشان می‌دهد. **واژگان کلیدی:** نظم بین‌المللی، تجدیدنظرطلبی اصلاحی، تجدیدنظرطلبی انقلابی، ابتکار امنیت جهانی، ابتکار توسعه جهانی.

استناددهی: شفیع، نوذر و سلیمی، رویا. ۱۴۰۳. بررسی مقایسه‌ای دیدگاه ایران و چین درباره نظم بین‌المللی لیبرال و تأثیر آن بر روابط دو کشور، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۷۳-۵۱.



۱. مقدمه

جان گارور در کتاب خود با عنوان «ایران و چین: شرکای باستانی در جهان پس از امپراتوری» با پایه‌گذاری بررسی خود بر مفاهیم دوگانه تمدن و قدرت، رابطه بین این دو قوم باستانی را بررسی می‌کند و معتقد است در فضای سیاسی امروز، جایی که چین به‌عنوان یک قدرت جهانی در حال ظهور و ایران به‌عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای خاورمیانه شناخته می‌شود، همکاری آن‌ها می‌تواند نظم بین‌المللی تحت سلطه آمریکا را با چالش مواجه کند (Garver, 2006).

هدف اصلی مقاله حاضر طرح این موضوع است که حتی اگر دیدگاه گارور اصولاً درست باشد، اما روندهای موجود در روابط دو کشور با واقعیات فاصله زیادی دارد. تأخیر و تعلل در همکاری‌های ایران و چین آنقدر هویدا است که رئیس‌جمهور وقت ایران در جریان سفرش به چین در فوریه ۲۰۲۳ خطاب به شی جین‌پینگ گفت: «توسعه روابط ایران و چین روبه‌جلو بوده است. اما باید قدم‌های بزرگ‌تری برداریم» (Iranprimer, 2023: 1). این اظهارنظر بیانگر ناامیدی مقامات ایرانی از بی‌میلی پکن در همکاری جدی با ایران است. این به‌نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد شکاف سیاسی در نخبگان تهران بر سر تداوم سیاست «نگاه به شرق» شود.

آنچه کاهش سطح همکاری اقتصادی ایران و چین را بیشتر با معما مواجه می‌کند این است که اساساً یکی از معیارهای چین در انتخاب شرکای استراتژیک، همسویی کشورها با چین در قبال نظم بین‌المللی لیبرال است. تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه تهران در قبال نظم بین‌المللی لیبرال به چین بسیار نزدیک است. پس چرا به‌رغم این همسویی، سطح مناسبات چین و ایران در حد پایینی قرار دارد و یا اساساً روابط دو کشور آن‌گونه که انتظار می‌رود به‌خوبی پیش نمی‌رود؟ این مقاله معتقد است که اگرچه ممکن است بی‌انگیزگی چین در گسترش مناسبات با ایران علل مختلفی داشته باشد، اما تفاوت در رویکرد ایران و چین به نظم بین‌المللی لیبرال یکی از علت‌های مهم آن است. درحالی که ایران یک تجدیدنظرطلب انقلابی است چین یک تجدیدنظرطلب اصلاحی است.

برای بررسی بیشتر موضوع، این مقاله ابتدا به این پرسش پاسخ می‌دهد که نظم بین‌المللی لیبرال چیست و اجزای آن کدام است؟ در گام بعدی نگاه ایران و چین به اجزای نظم را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به وجوه تفاوت و تشابه نگاه دو کشور پی ببرد. در گام سوم این موضوع را بررسی خواهد کرد که تفاوت و تشابه دیدگاه ایران و چین چگونه بر کاهش سطح روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع مقاله حاضر، پیش‌ازاین پژوهش‌هایی به رشته تحریر درآمده‌اند که بعضاً جنبه‌هایی از موضوع این مقاله را پوشش می‌دهند اما به‌طورقطع مقاله حاضر از جنبه‌های مختلف با پژوهش‌های انجام شده تفاوت دارد. در ذیل به بعضی از این پژوهش‌ها به‌تناسب مباحث مطرح در این مقاله اشاره می‌شود: چیت فروش و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی مقولات نظام بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی(ره) و نظریه انتقادی» معتقدند مقابله با نفوذ و سلطه بیگانگان در امور کشورهای مستقل،

تشکیل حکومت عدل جهانی، آزادسازی (رهایی) ملت‌ها از یوغ دولت‌های فاسد و وابسته، سه وجه اشتراک دیدگاه امام خمینی با نظریه انتقادی است. مقاله حاضر، آنجا که از موضع ایران در قبال نظم بین‌المللی لیبرال صحبت می‌کند، به این پژوهش استناد می‌کند اما دیدگاه چین در قبال نظم بین‌المللی لیبرال موضوع این پژوهش نبوده و همین مساله موجب تفاوت مقاله حاضر با پژوهش چیت فروش است. مازار (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «چین و نظم بین‌المللی» به جنبه‌های مخالفت چین با نظم بین‌المللی پرداخته و معتقد است بیشتر مخالفت چین با نظم لیبرال به بخش ارزشی، ساختاری و سیستم اتحادهای امریکا محور مربوط می‌شود. داده‌های این پژوهش در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته اما بخش مربوط به دیدگاه ایران درباره نظم لیبرال اساساً جزو موضوع پژوهش مازار نبوده و در نتیجه یافته‌های این مقاله با پژوهش مازار متفاوت است.

شریعتی‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین» این پرسش را مطرح کرده که چه متغیرهایی به روابط ایران و چین در وضعیت کنونی شکل می‌دهند؟ از نظر نویسنده برخی همپوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو انتخاب استراتژیک چین و روابط همکاری‌جویانه این کشور با قدرت‌های غربی، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. این پژوهش ارتباط موضوعی نزدیکی به مقاله حاضر دارد اما داده‌های مقاله حاضر جدیدتر و در عین حال جزئی‌تر است.

شمشیری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین» این پرسش را مطرح کرده که جمهوری اسلامی ایران از ائتلاف راهبردی با چین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ فرضیه مقاله آن است که جمهوری اسلامی ایران با ائتلاف راهبردی با چین در پی آن است که از چین بعنوان یک شریک تجاری و متحدی راهبردی در نهادهای بین‌المللی بهره‌گیرد. مقاله حاضر ضمن رد این فرضیه معتقد است اساساً شکل‌گیری ائتلاف راهبردی بین ایران و چین بدلیل نوع نگاه متفاوت آنها به نظم بین‌المللی لیبرال دشوار است.

شریعتی‌نیا (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رماتیکیک به پیوند پایدار» این پرسش را مطرح کرده که خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده چه تأثیراتی بر روابط ایران و چین گذاشته است؟ فرضیه پژوهش آن است که با خروج آمریکا از برجام و تغییر پارادایم مسلط بر روابط چین و ایالات متحده، الگوی حاکم بر روابط ایران و چین به مثلث پیوند پایدار تغییر یافته است. این پژوهش به دلیل تمرکز صرف بر مقوله برجام، با موضوع مورد بحث مقاله حاضر تفاوت دارد.

عباس تبار مقری و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مکانیسم‌ها و راهبردهای تحقق نظم جهانی دینی از دید آیت‌الله خامنه‌ای» به مختصات نظم بین‌المللی لیبرال از منظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و با استناد به سخنان ایشان معتقدند خودبرتری‌بینی، حق‌ناپذیری، جنایت علیه بشریت، فریبکاری و رفتار منافقانه، سلطه‌گری و سرمایه‌مداری شش ویژگی نظم لیبرال از دید آیت‌الله خامنه‌ای است. مثل پژوهش چیت فروش، مقاله حاضر، آنجا که از موضع ایران در قبال نظم بین‌المللی لیبرال صحبت می‌کند، به این

پژوهش استناد می‌کند اما دیدگاه چین در قبال نظم بین‌الملل لیبرال موضوع این پژوهش نبوده و همین مساله موجب تفاوت مقاله حاضر با پژوهش عباس تبار مفری است.

یاریان و دیگران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «جایگاه ایران در سیاست خارجی چین» به بررسی جایگاه ایران در سیاست خارجی چین پرداخته و معتقدند که چین به‌منظور مقابله با یک‌جانبه‌گرایی امریکا در منطقه خاورمیانه و تأمین منافع اقتصادی خود در چارچوب طرح‌های آینده‌اش، جایگاه ویژه‌ای را در سیاست خارجی‌اش به ایران اختصاص داده است. این پژوهش بیشتر به تقابل چین و امریکا بر سر نظم ساختاری پرداخته و سایر وجوه نظم مثل نظم ارزشی، امنیتی و اقتصادی را مورد توجه قرار نداده است.

۳. چارچوب مفهومی: نظم بین‌المللی

جان راگی نظم بین‌المللی را شامل قواعد رفتاری می‌داند که معمولاً برای همه کشورها «قابل اجرا» است، «منافع مشترک» دولت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و مکانیسم‌هایی برای «اقدام مشترک» ارائه می‌دهد (Ruggie, 1994: 556-557). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا همه کشورها نظم بین‌الملل لیبرال را «قابل اجرا» می‌دانند؟ آیا همه کشورها این نظم را در راستای «منافع مشترک» می‌دانند؟ و در نهایت آیا همه آن‌ها در مسیر اجرای نظم، «اقدام مشترک» انجام می‌دهند؟ این سؤالات به این دلیل مطرح می‌شوند که نظر کشورهای مختلف ایران و چین با نظر جان راگی همخوان نیست.

جان ایکینبری نیز معتقد است نظم بین‌المللی عبارت است از ترتیبات حاکم بین دولت‌ها از جمله قوانین، اصول و نهادهای اساسی آن (Ikinbery, 2001: 23). این نظم در سه شکل خود را متظاهر ساخته است: نظم هژمونی که بر پایه قدرت هژمون شکل می‌گیرد، موازنه قوا که بر پایه آنارشی شکل می‌گیرد و نهادی که مبتنی بر نهادهای حقوقی و سیاسی مورد توافق دولت‌هاست. پرسش قابل طرح در رابطه با تعریف ایکینبری این است که دیدگاه کشورهای مختلف از جمله ایران و چین درباره قوانین، اصول و نهادهای اساسی نظم چگونه است؟ پاسخ به این پرسش ما را به اهداف این مقاله نزدیک می‌کند. در مجموع تعاریف مختلفی از نظم بین‌المللی ارائه شده که خلاصه آن عبارت است از: نظم بین‌المللی یعنی الگوی پایدار و ساختاریافته‌ای از روابط بین کشورها که از چهار جز اصلی تشکیل شده است:

- نظم اقتصادی شامل سه رکن نظم تجاری (مثل سازمان تجارت جهانی)، نظم پولی-مالی (مثل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، کلپ پاریس) و نظم مبتنی بر دستور کار توسعه (مثل برنامه عمران ملل متحد یا هر نهاد بین‌المللی دیگری که در امر توسعه دخیل است)
- نظم امنیتی شامل نظم مبتنی بر منشور ملل متحد (احترام به حاکمیت‌ها، عدم تجاوز، امنیت جمعی و...)، نظم امنیتی چندجانبه مبتنی بر منافع مشترک (مثل معاهده منع تکثیر، کنترل تسلیحات، خلع سلاح، مبارزه با تروریسم، مبارزه با دزدی دریایی و...)، سیستم اتحادهای امریکا-محور (مثل ناتو، کواد، آکوس و...)
- نظم ارزشی شامل ارزش‌های لیبرال دموکراسی از جمله دموکراسی و حقوق بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق مدنی-سیاسی نمود یافته است (Mazarr, et al, 2016: 7).

- نظم سیاسی (ساختاری) از جمله کیفیت ساختار نظام بین‌الملل از منظر قطبیت و یا ترتیب چینش واحدهای سیاسی در کنارهم مثل طرفداران وضع موجود و تجدیدنظرطلب‌ها. موضع کشورها در قبال نظم بین‌المللی کاملاً از منافع ملی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر منافع ملی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در استقرار نظم و تبعیت از نظم بین‌المللی دارد. به همین دلیل یکی از پیامدهای مهم نظم، شکل‌گیری منافع و ترجیحات مشترک و به تبع آن شکل‌گیری گروه‌های همفکر است. از این منظر بری بوزان کشورها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: طرفداران وضع موجود و تجدیدنظرطلب‌ها. گروه اول از نظم موجود و جایگاه خود در چرخه قدرت راضی هستند، ترتیبات اقتصادی، امنیتی، ارزشی و سیاسی (ساختاری) نظم را در راستای منافع و ترجیحات خود می‌بینند و لذا در مقابل هرگونه تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهند. گروه دوم از دید بری بوزان به سه دسته تقسیم می‌شوند: «تجدیدنظرطلب‌های اصلاحی»^۱ که بعضی از ویژگی‌های نظم را می‌پذیرند اما در مقابل بعضی از ویژگی‌های دیگر از خود مقاومت نشان می‌دهند و در پی اصلاح آن هستند. «تجدیدنظرطلب‌های ارتدوکس»^۲ که محتوای نظم را می‌پذیرند اما نسبت به نحوه توزیع قدرت و منزلت کشورها در ساختار نظام بین‌الملل اعتراض دارند، در مقابل این گروه، «تجدیدنظرطلب‌های انقلابی»^۳ قرار دارد. این‌ها از نظم موجود اساساً ناراضی هستند و به دنبال به چالش کشیدن اصول بنیادین نظم می‌باشند (Buzan, 2010: 13).

کولی و همکارانش تقسیم‌بندی دیگری از نگاه کشورها به نظم بین‌المللی دارد. او چهار نگاه را از هم تفکیک می‌کند: حافظان نظم موجود که هم طرفدار نظم موجودند و هم از توزیع قدرت موجود حمایت می‌کنند، تجدیدنظرطلبان اصلاحی که نسبت به توزیع قدرت رضایت دارند، اما در پی تغییر در عناصر نظم هستند، موقعیت‌گراها که نظم موجود را می‌پذیرند، اما خواهان تغییر در توزیع قدرت هستند و بازیگران انقلابی که اصولاً با بنیان‌های نظم و نحوه توزیع قدرت مخالف هستند و در پی نظم جایگزین می‌باشند (Cooley, et al, 2019: 1).

شولر نیز کشورها را به سه دسته طرفداران حفظ وضع موجود، تجدیدنظرطلب‌های نامحدود و تجدیدنظرطلب‌های محدود تقسیم‌بندی می‌کند. اینکه یک دولت تجدیدنظرطلب محدود است یا نامحدود به چهار مؤلفه بستگی دارد: (۱) گستره اهداف دولت تجدیدنظرطلب؛ (۲) عزم دولت تجدیدنظرطلب و تمایل به ریسک برای رسیدن به اهدافش؛ (۳) ماهیت اهداف تجدیدنظرطلبی یعنی اینکه آیا به دنبال تغییر در هنجارهای بین‌المللی، تمامیت ارضی و یا پرستیژ است؟ و (۴) ابزاری که برای تقویت اهداف تجدیدنظرطلبی به کار می‌گیرد؛ صلح‌آمیز یا خشونت‌آمیز (Schweller, R. 2015: 8).

در نهایت گادارد چهار نوع دولت تجدیدنظرطلب را شناسایی می‌کند که عبارت‌اند از: دولت تجدیدنظرطلب همسو^۴؛ دولت تجدیدنظرطلب منزوی^۵؛ تجدیدنظرطلب ستیزه‌جو^۶؛ و تجدیدنظرطلب میانه‌رو (Goddard, S. E., 2018: 770-75).

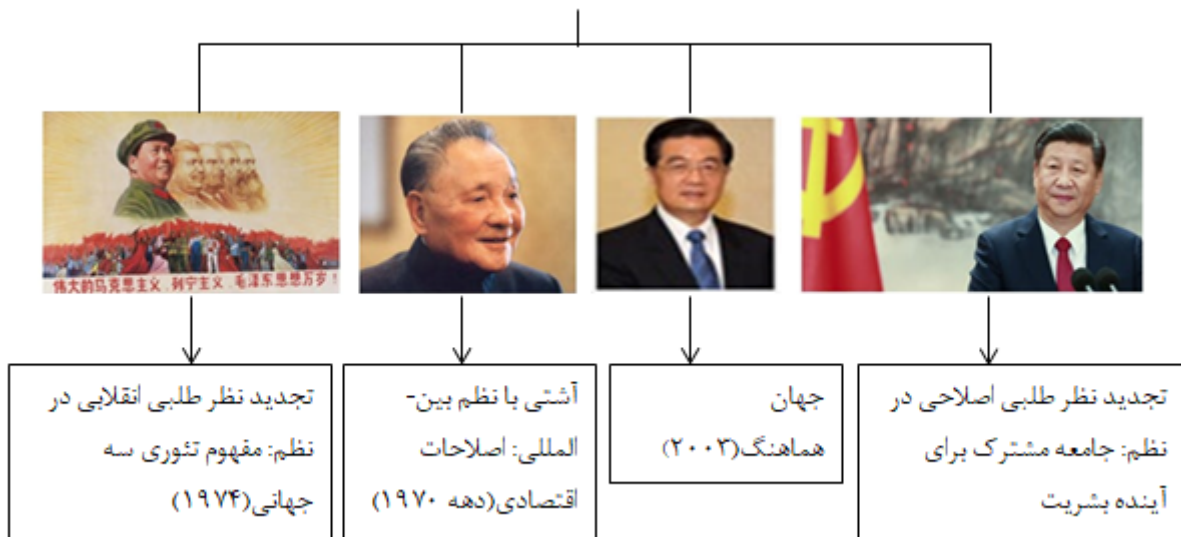
1. Reformist Revisionist.
2. Orthodox Revisionist.
3. Revolutionary Revisionist.
4. Integrated revisionist.
5. Isolated revisionist.
6. Rogue revisionist.

به‌عنوان جمع‌بندی از دیدگاه‌های فوق، در این مقاله، دیدگاه کشورها نسبت به نظم بین‌المللی به دو دسته تقسیم شده است: طرفداران نظم موجود و تجدیدنظرطلب‌ها. گروه دوم خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: تجدیدنظرطلب‌های اصلاحی که بعضی از اجزای نظم را می‌پذیرند و نسبت به بعضی از اجزای دیگر انتقاد دارند و لذا در پی اصلاح آن هستند و تجدیدنظرطلب‌های انقلابی که اساساً با همه وجوه نظم و یا بخش زیادی از آن مخالف‌اند و در پی نظم جایگزین هستند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که موضع ایران و چین در قبال نظم بین‌المللی لیبرال در کدام دسته از این تقسیم‌بندی قرار دارد؟

۴. موضع چین در قبال نظم بین‌المللی

موضع چین در قبال نظم بین‌المللی به سه دوره قابل تقسیم است: چین دوره مائو (نسل اول) که بر اساس تقسیم‌بندی بوزان یک کشور با رویکرد تجدیدنظرطلب انقلابی محسوب می‌شود. چین دوره دنگ شیائوپینگ (نسل دوم) که یک کشور طرفدار حفظ وضع موجود قلمداد می‌شود و چین بعد از دنگ شیائوپینگ (نسل سوم، چهارم و پنجم با کمی تفاوت در دیدگاه‌ها) تجدیدنظرطلب اصلاحی است. شکل شماره (۱) نوع نگاه نسل‌های مختلف رهبری چین به نظم بین‌المللی را نشان می‌دهد. این مقاله قصد بررسی همه دوره‌ها را ندارد و فقط بر دوره شی جین پینگ (نسل پنجم رهبری چین) تمرکز می‌کند.

شکل (۱): چین و نظم بین‌المللی



منبع: نگارندگان

در دوره شی جین پینگ، چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ با دومین اقتصاد بزرگ جهان و ارتشی در کلاس جهانی ظاهر شده و به دنبال بازیابی مرکزیت خود در نظام بین‌المللی است. سخنرانی شی در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست در سال ۲۰۱۷ این مسیر را مشخص کرده است: «تبدیل چین به یک کشور سوسیالیستی بزرگ و مدرن که تا اواسط قرن مرفه، قوی، دموکراتیک، از نظر فرهنگی پیشرفته، هماهنگ و زیبا باشد» (Haf-

9: man, 2023). این اظهارات کاملاً شبیه سخنرانی هو جین تائو در سال ۱۹۹۸ است: «هدف ما اساساً دستیابی به مدرنیزاسیون و ساختن سرزمین مادری به یک کشور سوسیالیستی مرفه، قوی، دموکراتیک و متمدن تا زمان صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین است». این اظهارات همچنین شباهت زیادی با اهدافی دارد که چو انلای در سال ۱۹۶۳ در سخنرانی خود مبنی بر «چهار نوسازی» مطرح کرد: «با نوسازی کشاورزی، صنعت، علم و فناوری، و دفاع ملی سرزمین مادری ما به یک کشور سوسیالیستی قوی تبدیل شده است» (9: Hafman, 2023).

قدرتی که رهبران نسل‌های مختلف چین از آن سخن به میان آورده‌اند امروزه به واقعیت نزدیک شده است. مؤسسه لووی^۱ قدرت جامع چین را پس از ایالات متحده و بالاتر از فدراسیون روسیه در رتبه دوم قرار می‌دهد (1: Lowy, 2023). این تنها قدرت اقتصادی نیست، هرچند که برجسته است. نفوذ چین در سازمان‌های بین‌المللی، حضور دیپلماتیک آن - که اکنون بالاتر از ایالات متحده است و رهبری آن در سازمان‌های بین‌المللی جدید مانند سازمان همکاری شانگهای، بانک توسعه زیرساخت‌های آسیا و بانک توسعه جدید نشان‌دهنده این قدرت جدید است (9: Hafman, 2023). نگاه شی جین‌پینگ به نظم بین‌المللی در اصطلاحی نهفته است که او در سال ۲۰۱۳ مطرح کرد: «جامعه‌ای با آینده مشترک برای بشر». متعاقباً شی خواهان «اصلاح نظام حکمرانی جهانی» شد. این دیدگاه آشکارا فاصله چین را با نظم بین‌المللی لیبرال به شرح ذیل مشخص کرد:

۱.۴. چین و نظم اقتصادی لیبرال

چین از شاخص‌های نظم اقتصادی، نظم تجاری را می‌پذیرد، اما نظم پولی-مالی و نظم توسعه‌ای را نمی‌پذیرد، چراکه بانک جهانی که به کشورهای در حال توسعه وام و کمک‌های بلاعوض می‌دهد و صندوق بین‌المللی پول که برای تضمین ثبات سیستم پولی جهانی کار می‌کند در ازای خدمتی که ارائه می‌کنند در امور داخلی کشورها نیز مداخله می‌کنند. لذا چین «اجماع پکن» را در مقابل «اجماع واشنگتن» ایجاد نموده و در قالب آن عملاً بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، بانک توسعه جدید، ابتکار توسعه جهانی و ابتکار کمربند-راه را جایگزین نهادهای برتون وودز کرده است.

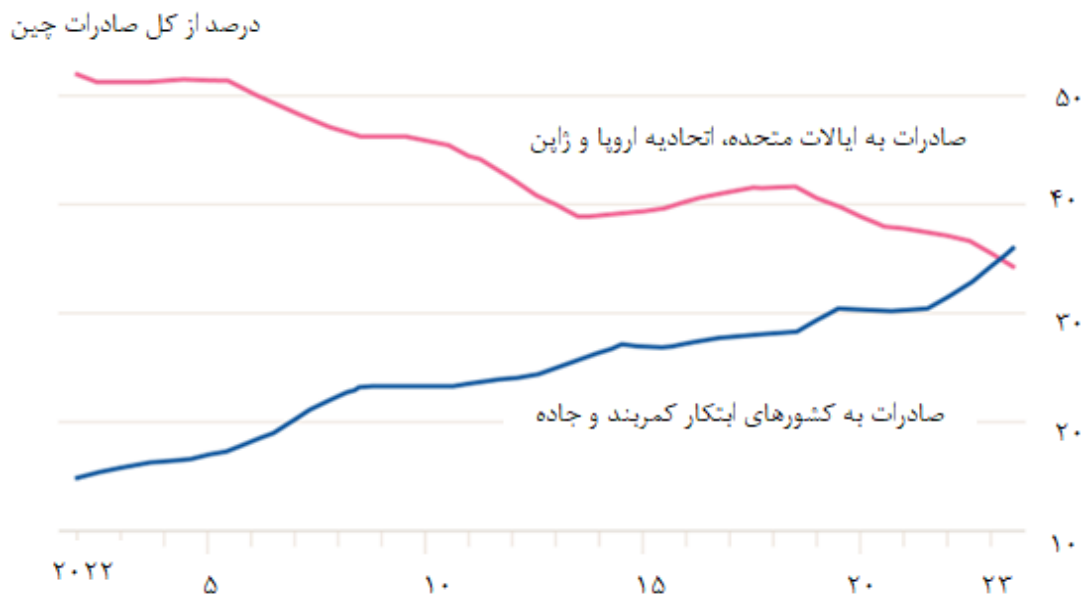
مجموعه این ابتکارات اصطلاحاً «ابتکار توسعه جهانی»^۲ خوانده می‌شوند که چین آن را در سال ۲۰۲۱ ارائه کرد. این ابتکارات بر این پایه قرار دارند که توسعه اقتصادی باید به نفع همه باشد و ابتکارات جهانی باید در جهت توسعه، از بین رفتن فقر و بهبود سلامت جامعه جهانی سازمان‌دهی شوند. از این رو ابتکارات چین عمدتاً در راستای منافع کشورهای در حال توسعه ارائه شده است. به همین دلیل صدای چین در کشورهای در حال توسعه به خوبی شنیده شده و آن‌ها (از ۱۹۳ کشور موجود در جهان ۱۵۲ کشور در حال توسعه هستند) از شرکای اصلی چین در حوزه سیاست و اقتصاد هستند. به عنوان مثال در حالی که حجم روابط تجاری چین و کشورهای غربی در حال کاهش است مناسبات اقتصادی پکن با کشورهای در حال توسعه سیر صعودی به خود گرفته است (نمودار شمار ۱).

1. Lowy

2. Global Development Initiative

حتی به لحاظ سیاسی، کشورهای در حال توسعه به پایگاه مهمی برای چین در صحن سازمان ملل تبدیل شده‌اند. اخیراً شی جی پینگ در مشورت با دبیر کل سازمان ملل آنها را در «گروه دوستان ابتکار توسعه جهانی»^۱ قرار داده، گروهی که به یک مجمع رسمی در سازمان ملل تبدیل شده است. گفته می‌شود کشورهای عضو این مجمع در تصمیم‌گیری‌های مجمع عمومی سازمان ملل تا هشتاد درصد بسود چین رأی داده‌اند. (Kynge, 2023: 3)

نمودار (۱): صادرات چین به کشورهای در حال توسعه و ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن



Source: Trading Economics

۲.۴. چین و نظم امنیتی لیبرال

در خصوص نظم امنیتی، چین نظم امنیتی مبتنی بر منشور ملل متحد و نظم امنیتی چندجانبه مبتنی بر منافع مشترک را می‌پذیرد، اما با سیستم اتحادیه‌های امریکا-محور مخالف است. در راستای حمایت از «نظم مبتنی بر منشور ملل»، چین بعد از امریکا دومین تأمین‌کننده اصلی بودجه سازمان ملل است. همچنین دومین منبع مالی برای عملیات حفظ صلح سازمان ملل است. در عین حال در میان اعضای شورای امنیت رتبه اول را در تأمین نیروهای پاسدار صلح ملل متحد دارد به گونه‌ای که نیروهای پاسدار صلح این کشور از مجموع چهار عضو دائمی دیگر شورای امنیت بیشتر است. نکته دیگری که نشان می‌دهد چین از نظم امنیتی مبتنی بر منشور ملل متحد حمایت می‌کند حمایت این کشور از حق وتو و مخالفت با عضویت دائم سایر کشورها در شورای امنیت است.

1. Group of friends of the Global Development Initiative.

این کشور از موقعیت خود به‌عنوان یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت قطعنامه‌ها را وتو می‌کند و به‌طور خاص با گنجاندن ژاپن و هند که هر دو رقبای استراتژیک چین هستند، در شورای امنیت مخالف است. در راستای حمایت از «نظم چندجانبه مبتنی بر منافع مشترک» نیز چین قراردادهای چندجانبه‌ای را امضا کرده که قبلاً تمایلی به پیوستن به آن را نداشت. به‌عنوان مثال این کشور در سال ۱۹۹۲ به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ملحق شد و در سال ۱۹۹۶ معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا کرد. در مجموع چین در همه زمینه‌های بین‌المللی، در امور چندجانبه مشارکت داشته است. تقریباً عضو تمام سازمان‌های بین‌دولتی جهانی و عضو بیش از ۶۰۰ کنوانسیون بین‌المللی است (شفیعی، ۱۴۰۲: ۱۸).

با این حال چین با نظم مبتنی بر اتحاد‌های آمریکا-محور مثل ناتو، کواد (آمریکا، استرالیا، ژاپن، هند) و آکوس (آمریکا، بریتانیا، استرالیا) مخالف است و لذا ابتکار امنیت جهانی^۱ و ابتکار صلح توسعه‌ای را در سال ۲۰۲۱ بجای آن‌ها ارائه کرده است. این نهادهای چینی، سازمان ملل را محور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار می‌دهد و با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مخالف است. طرح پنج ماده‌ای چین برای امنیت و ثبات در خاورمیانه و طرح معماری امنیتی جدید چین برای خاورمیانه از جمله ابتکاراتی است که ذیل ابتکار امنیت جهانی و ابتکار صلح توسعه‌ای^۲ برای خاورمیانه ارائه شده‌اند.

۳.۴. چین و نظم ارزشی لیبرال

در خصوص نظم ارزشی لیبرال هم باید گفت با آنکه پکن در سال ۱۹۹۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرد، اما این کشور اصولاً با این نظم مخالف است و بجای جهان‌گرایی که ویژگی اصلی نظم ارزشی لیبرال است، نسبی‌گرایی فرهنگی را مطرح می‌کند. چین معتقد به جهان‌بینی‌های تمدنی مثل غرب، چین، ایران، هند و ... است و به همین دلیل بجای ارزش‌های لیبرال که مبنای غرب-محور دارد، «ابتکار تمدن جهانی»^۳ را در سال ۲۰۲۳ مطرح کرده است. از دید چین حقوق بشر باید «شرایط ملی و تمدنی کشورها» را به‌جای ارزش‌های جهانی منعکس کند. به همین دلیل ابتکار تمدن جهانی از رویکرد جهانی به حقوق بشر و سایر ارزش‌ها، از جمله چگونگی تعریف دموکراسی اجتناب می‌کند.

از دید پکن باید به شرایط ملی و تمدنی کشورها به‌عنوان یک دولت-تمدن نگاه کرد. از این منظر دولت چین حافظ یک تمدن است که بعضاً قدمت آن طولانی‌تر از تمدن‌های غربی است. مردم چین دولت را حافظ و نگهبان تمدن خود می‌دانند و لذا برای آن مشروعیت قائل هستند. در همین حال متأثر از تعبیر کنفوسیوسی نقش پدر در خانواده، در چین دولت سرپرست خانواده بزرگ ملت است و لذا اصطلاح «دولت-خانواده» را در توصیف آن بکار می‌برند از این رو دولت-ملت غربی با دولت-تمدن چینی تفاوت دارد و همین تفاوت‌هاست که باعث می‌شود بعضی از خصایص چین از دید غرب نقصان قلمداد شود. از دید چین نگاه تحقیرآمیز غرب به بقیه جهان باید کنار گذاشته شود (Zeitung, 2015).

1. Global Security Initiative
2. Developmental Peace Initiative
3. Global Civilization Initiative

2). غرب خود را محور جهان قرار می‌دهد و جهان را به تبعیت از آن ارزش‌ها به‌عنوان ارزش‌های جهانی وادار می‌سازد. هدف چین در مخالفت با نظم ارزشی لیبرال در حقیقت پایان دادن به این نگاه است.

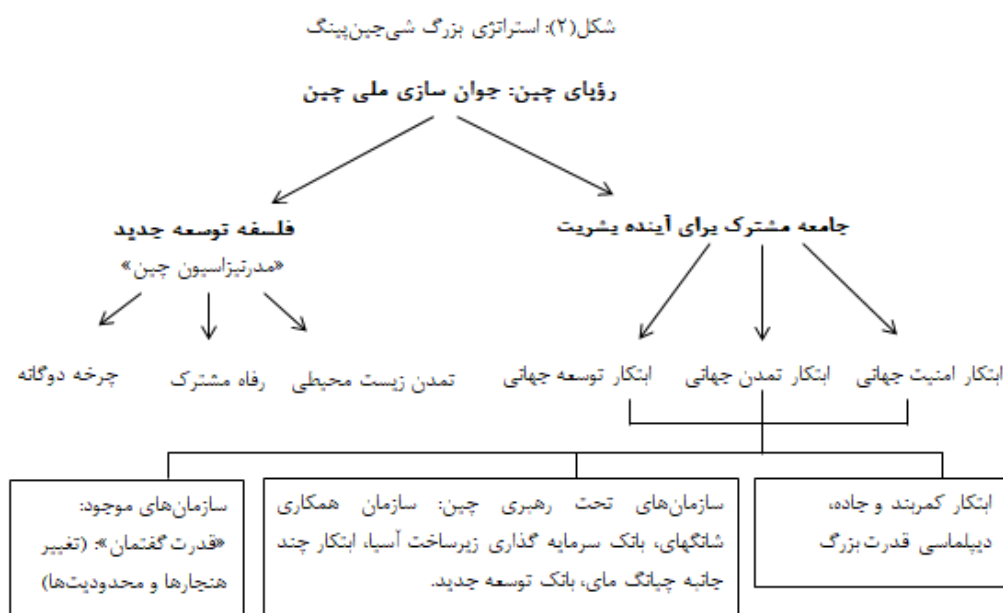
۴.۴. چین و نظم سیاسی (ساختاری) لیبرال

در خصوص نظم سیاسی یا ساختاری باید گفت چین با این نظم مخالف است. از دید پکن نظم تک‌قطبی پس از چنگ سرد فقط یک «لحظه تک‌قطبی» بوده هرچند ممکن است دو دهه هم به طول انجامیده باشد. در نشست ژوئن ۲۰۲۲ بریکس، شی خواستار «نوع جدیدی از روابط بین‌الملل» شد که هژمونی و تفکر حاصل جمع صفر را رد می‌کند (Freeman, 2023: 1). چین طرفدار «چندجانبه‌گرایی حقیقی»^۱ یعنی وضعیت برابر برای همه است. چین چندجانبه‌گرایی را که امریکا از آن صحبت می‌کند «سیاست چند بلوکی تحت پوشش چندجانبه‌گرایی»^۲ می‌داند که درصد تحمیل قوانین ساخته‌شده توسط چند کشور به کل جهان است. تعریف چین از چندجانبه‌گرایی هرچه باشد در مرکز آن مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی امریکا قرار دارد.

هدف چین آن است که نقش امریکا را در مسائل امنیتی جهان کاهش دهد. چین این سیاست را در قالب چند ابتکار به‌پیش می‌برد: «ابتکار نقش بزرگ‌تر سازمان ملل در امور امنیتی»^۳، گروه بریکس که چین تلاش دارد اعضای آن را به بیست عضو برساند، و سازمان همکاری شانگهای. این نهادها مواردی غیر از «گروه بیست» و یا ابتکار کمربند-راه است که خود نوعی نظم چندجانبه‌چینی را در عمل به اجرا درآورده است. نکته جالب این است که در راستای چندجانبه‌گرایی، چین در حال عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای دیگر نیز می‌باشد. به‌عنوان مثال این کشور اخیراً در پی عضویت در اتحادیه آفریقا با ۵۵ عضو برآمده است (Kynge, 2023: 3).

چین درصدد است تا در قالب نظم سیاسی، بر تجدیدنظرطلب‌ها در مقابل طرفداران حفظ وضع موجود بیفزاید. شکل شماره ۲ سیاست شی جین‌پینگ را در مورد نظم بین‌المللی موردنظر چین در مقابل نظم بین‌المللی لیبرال نشان می‌دهد. در این نمودار رویای چین با تمرکز بر جوان سازی ملی، هسته اصلی تفکر شی را در دوره زمامداری خود تشکیل می‌دهد. این مهم به دو طریق قابل تحقق است؛ مدرنیزاسیون در داخل و جامعه مشترک برای آینده بشریت در خارج. مدرنیزاسیون باید رفاه مردم چین را به دنبال داشته باشد، مسایل زیست محیطی را رعایت کند و در چارچوب چرخه دوگانه، وابستگی چین به غرب و بویژه امریکا را کاهش دهد. جامعه مشترک برای آینده بشریت نیز در پرتوی سه مولفه مهم یعنی ابتکار امنیت جهانی (در حوزه امنیت)، ابتکار تمدن جهانی (در حوزه فرهنگ)، و ابتکار توسعه جهانی (در حوزه اقتصاد) قابل تحقق است. این ابتکارها به چین امکان می‌دهد بسیاری از نارسایی‌های نظم بین‌المللی لیبرال را جبران نماید و زمینه را برای شکل‌گیری نظم چینی فراهم کند.

1. True Multilateralism
2. Bloc politics under the disguise of Multilateralism
3. Bigger UN role in security affairs



(Source: Rolland, 2020: 50-60)

در مجموع موضع چین نسبت به نظم بین‌المللی را می‌توان در اظهارات شی‌جین‌پینگ خلاصه کرد. شی در سخنرانی خود در مجمع بوآئو در سال ۲۰۲۱ با موضوع «جهان در تغییر»، از «چهار کسری» که بشریت با آن مواجه است ابراز تأسف کرد: «نقص فزاینده حکومت‌داری، نقص اعتماد، نقص توسعه و نقص صلح» (Xi Jinping, 2022). از دید شی، علت اصلی این چهار کسری آن است که رهبران غربی که برای دو قرن جامعه بین‌المللی را هدایت کرده‌اند، نتوانسته‌اند جهان را به درستی رهبری کنند. بنابراین چین آماده است این کار را انجام دهد. از دید شی چین بزرگ‌ترین منبع ثبات است و کلید «آینده مشترک بشر» را می‌توان در نسخه‌های چینی یافت (Schuman et al, 2023: 5).

۵. موضع ایران نسبت به نظم بین‌المللی لیبرال

موضع ایران نسبت به نظم بین‌المللی لیبرال تقریباً شبیه موضع چین است با این تفاوت که رویکرد چین تجدیدنظرطلبی اصلاحی است، اما اگر دیدگاه نظام سیاسی و نه دولت‌ها را در ساختار سیاسی ایران مبنا قرار دهیم، ایران یک تجدیدنظرطلب انقلابی است. به‌عنوان مثال به عقیده امام خمینی تبلور وحدت اسلامی بین دولت‌های مسلمان و جوامع اسلامی می‌تواند به اتحاد در برابر ابرقدرت‌ها و برهم زدن مناسبات ناعادلانه موجود و برقراری عدالت جهانی منجر شود (امام خمینی، ۱۹۱۳ ج ۳: ۳۳۳). یا درجایی دیگر می‌گویند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاله الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هرکجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

در عبارات فوق، ابرقدرت‌ها، مناسبات ناعادلانه، مستکبرین و در مقابل آن صدور انقلاب، وحدت دولت‌های مسلمان، مبارزه، و عدالت جهانی کلیدواژه‌هایی هستند که حکایت از زیر سؤال بردن نظم موجود و جایگزینی آن با نظم جدید دارد. در چارچوب این اظهارات، هر فرد، جریان، جنبش و دولتی که مخالف استکبار جهانی و نظام سلطه در چارچوب آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب باشد در هر نقطه از جهان، متحد طبیعی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود (قادری کنگاوری ۱۷۰: ۱۳۹۹).

جانشین آیت‌الله خمینی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای نیز دیدگاه مشابهی را مطرح کرده‌اند. ایشان نظم بین‌المللی لیبرال را نظم سلطه‌گر معرفی می‌کند و آن را عامل بدبختی‌های جهان می‌داند: «امروز در جهان، نظام سلطه حاکم است و این نظام مسئول بدبختی ملت‌ها و انسان‌ها در سراسر عالم است. نظام سلطه یعنی اینکه در جهان کسی با اتکا به سرریزه و زور قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند» (عباس تبار مقری و دیگران، ۱۷۹: ۱۴۰۰).

این دیدگاه نیز تقریباً همه وجوه نظم لیبرال را دربر می‌گیرد و زیر سؤال می‌برد. از نظم مبتنی بر نهادها و قوانین تا نظم امنیتی و ارزشی و در نهایت نظم ساختاری. خودبرترینی، حق ناپذیری، جنایت علیه بشریت، فریبکاری و رفتار منافقانه، سلطه‌گری، و سرمایه‌مداری پنج ویژگی نظم لیبرال از دید آیت‌الله خامنه‌ای است (عباس تبار مقری و دیگران، ۱۲۶-۱۲۴: ۱۳۹۷). این مخالفت اصولاً به این دلیل است که کشورهای بیگانه در عمل نقش منفی در ایران داشته‌اند.

آن‌ها اساساً به خاطر پیشینه استعماری و سوء پیشینه‌ای که در ایران داشته‌اند مورد تفرج جامعه ایرانی بوده‌اند (ذاکریان، ۶۷: ۱۳۹۴). آیت‌الله خامنه‌ای نظم ساختاری را تک‌قطبی یا هژمونیک می‌داند و البته آن را رو به افول. او می‌گوید: «امروز جهان در آستانه نظم نوین بین‌المللی قرار دارد که پس از دوران نظم جهانی دوقطبی و تئوری نظم جهانی تک‌قطبی در حال شکل‌گیری است. البته در دوره کنونی آمریکا روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. برخی از کارشناسان و متفکران آمریکایی از واژه زوال موربانه وار در توصیف وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور استفاده کرده‌اند» (Heirannia, 2022: 3) با توجه به این اظهارات به نظر می‌رسد رهبری ایران نظم آینده را به لحاظ ساختاری، نظامی چندقطبی با محوریت کشورهای نظیر چین، روسیه، هند، اروپا، و آمریکا می‌داند.

در خصوص نظم ارزشی نیز، جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برخی از تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق مدنی-سیاسی را از گذشته به ارث برده است. بعد از آن نیز چندین سند حقوق بشری جدید را امضا کرده است با این حال نگاه جمهوری اسلامی به تسری ارزش‌های غرب‌محور به عنوان ارزش‌های جهان‌شمول مخالف است. به عبارت دیگر ایران همچون چین به نسبی‌گرایی فرهنگی از جمله در مورد حقوق بشر و دموکراسی اعتقاد دارد. به همین دلیل مقامات سیاسی و مذهبی ایران اغلب از دو اصطلاح «حقوق بشر اسلامی» در مقابل «حقوق بشر غربی» و از «مردم‌سالاری دینی» در مقابل «دموکراسی غربی» استفاده می‌کنند.

در حقیقت آنچه این تفاوت را ایجاد می‌کند قلمرو جغرافیایی به همراه آیین و سنت‌هایی است که مردم کشورها در چارچوب آن مناسبات خود را تنظیم می‌کنند. محمد جواد لاریجانی مسئول وقت ستاد حقوق بشر

ایران در مقابل نقد کشورهای غربی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران می‌گوید: «کشورهای غربی باید بدانند که راه‌های دیگری نیز برای زندگی وجود دارند. این شعاری است که ما در ایران داریم» (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۷). نکته جالب این است که ایران پیش و پس از انقلاب، در موضوع حقوق بشر کمتر مدافع حقوق جهان‌شمول بوده است (ذاکریان، ۱۳۹۴: ۵۸) و بیشتر به نسبی‌گرایی فرهنگی اعتقاد داشته است.

آرزوی ایران برای افزایش قدرت خود در محاسبات استراتژیک جهانی و منطقه‌ای در اسناد رسمی دولتی نیز منعکس شده است: «الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی» و «گام دوم انقلاب» که توسط رهبری ایران ارائه شده، طرحی از چشم‌انداز ایران را منعکس می‌کند که شامل استقلال اقتصادی و سیاسی از غرب و مقاومت در برابر امپریالیسم جهانی است. (Bazoobandi, 2024: 2)

در مجموع می‌توان رویکرد جمهوری اسلامی ایران را نسبت به نظم بین‌المللی در سه گزاره اصلی تلخیص کرد: ناعادلانه پنداشتن نظم بین‌الملل و تقابل با جریان اصلی حامی این نظم، رویکرد ارزشی-هنجاری به نظم بین‌المللی از جمله حقوق بشر و دموکراسی، تأکید بر رهایی‌بخشی آن‌گونه که در نظریات انتقادی وجود دارد (چیت فروش و دیگران، ۱۲۵، ۱۳۹۶-۱۲۸). ترجمه این گزاره‌ها به ترتیب و در عمل عبارت است از مقابله بانفوذ و سلطه بیگانگان در امور کشورهای مستقل، تشکیل حکومت عدل جهانی، آزادسازی (رهایی) ملت‌ها از یوغ دولت‌های فاسد و وابسته.

۶. تفاوت در دیدگاه ایران و چین: آثار و پیامدها

پرسشی که در این قسمت باید مطرح کرد این است که چه تفاوتی بین دیدگاه ایران و چین در قبال نظم بین‌المللی وجود دارد و این تفاوت چگونه بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است؟

۱.۶. تفاوت در دیدگاه‌ها

بر اساس آنچه در این مقاله در خصوص دیدگاه چین و ایران درباره نظم بین‌المللی لیبرال گفته شد، رهبران ایران و چین به نظم بین‌المللی به رهبری ایالات متحده انتقاد می‌کنند. هر دو کشور نظم بین‌المللی را ناعادلانه، تک‌قطبی و تهدیدکننده منافع خود می‌دانند. (Holmquist & Englund, 2020) با این حال دیدگاه چین تجدیدنظرطلب اصلاحی و دیدگاه ایران تجدیدنظرطلب انقلابی است. ایران نظم بین‌الملل لیبرال را یک تهدید قلمداد می‌کند حال آنکه چین آن را تهدید-فرصت می‌داند. ایران از چین انتظار دارد که در بر هم زدن نظم لیبرال با ایران همکاری کند، اما چین بر پایه منافع ملی خود عمل می‌کند.

بعلاوه دیدگاه چین از یک ایدئولوژی مادی‌گرایانه یعنی سوسیالیسم ناشی می‌شود، اما دیدگاه ایران از یک ایدئولوژی معناگرایانه یعنی اسلام ناشی می‌شود. چین برای هر قسمت از نظم که مورد انتقاد قرار می‌دهد الگوی جایگزین و عینی ارائه می‌کند اما ایران فاقد الگوی عینی بوده و فقط از کلیات و مفاهیم انتزاعی سخن می‌گوید. به همین دلیل چین موفق شده است با معرفی الگوهای خود، برای خود جذابیت ایجاد کرده و تقریباً همه کشورهای درحال توسعه را به سمت خود بکشاند این در حالی است که ایران فقط در میان گروه‌های شیعه طرفدارانی پیدا کرده است.

در خصوص «میزان قدرت» دو کشور برای اجرای دیدگاه خود نیز تفاوت وجود دارد. در حالیکه چین از ابزار یا قدرت ساختاری لازم برای اجرای دیدگاه خود برخوردار است ایران عملاً فاقد این قدرت ساختاری یا ابزارها است. قدرت ساختاری، قدرت تعیین قواعد بازی دیگران و قدرت شکل‌دهی به انتخاب‌های سایرین است. از این رو کارکرد ایران بیشتر نقش‌آفرینی به‌عنوان یک بازیگر میانی یا محور ژئوپلیتیک است تا نقش‌آفرینی به‌عنوان یک قدرت استراتژیک مثل چین یا روسیه. حتی مکانیسم برخورد هر دو کشور با آن قسمت از اجزای نظم لیبرال که مورد انتقاد قرار می‌دهند، متفاوت است. چین از طریق سیاسی - اقتصادی - تجاری و حضور فعال در محافل بین‌المللی دیدگاه خود را به پیش می‌برد اما ایران اغلب از طریق امنیتی - نظامی اهداف خود را تعقیب می‌کند.

مجموع این تفاوت‌ها به‌ویژه تفاوت آخر باعث شده که در بسیاری از مواقع مسیر ایران و چین از هم جدا شود و همین عامل به‌نوبه خود آثارش را در شکل کاهش سطح همکاری‌ها، بر روابط دو کشور برجای می‌گذارد. حتی در بعضی مواقع منجر به نتیجه عکس هم شده است. به‌عنوان مثال از زمانی که چین پیمان منع تکثیر را پذیرفت نه تنها همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران را محدود کرد، بلکه عملاً در اجرای تحریم‌ها با آمریکا همراهی کرده است. همین کیفیت رابطه ایران بانظم و به‌ویژه با پدیدآورنده نظم یعنی امریکا است که چین را به در پیش گرفتن یک همکاری جدی با ایران در حوزه‌های مختلف محتاط کرده است. چین معتقد است که رفتار ایران باید کنترل‌شده‌تر، مدیریت‌شده‌تر و صلح‌آمیزتر باشد. چین قصد دارد خود را حداقل در شرایط فعلی به‌عنوان یک قدرت مسئول معرفی کند و یکی از دلایل قبلی مخالفت این کشور با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای یا عدم همراهی با ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به همین مسأله مربوط می‌شود.

۲.۶. آثار و پیامدها

تفاوت دیدگاه ایران و چین در قبال نظم بین‌المللی به اشکال مختلف آثار خود را بر روابط دو کشور نشان داده است. به‌عنوان مثال حجم سرمایه‌گذاری چین در ایران از اواسط مارس ۲۰۲۲ تا اواسط مارس ۲۰۲۳ رقمی بین ۱۳۱ تا ۱۸۵ میلیون دلار بوده است (Iranprimer, 2023: 1). این در حالی است که در همین بازه زمانی، چین قراردادهای سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز به ارزش ۱۶/۷ میلیارد دلار با عربستان سعودی، ۳/۸ میلیارد دلار با امارات متحده عربی، ۳/۶ میلیارد دلار با کویت، ۲ میلیارد دلار با قطر و ۵۲ میلیارد دلار با عمان امضا کرد. (Aboudouh, 2024: 1).

مهم‌ترین علت سرمایه‌گذاری اندک چین در ایران تحریم‌های غرب و به‌ویژه آمریکا علیه ایران است (Hong, 2021). در سال ۲۰۱۸، زمانی که ایالات متحده از توافق هسته‌ای خارج شد، آمریکا بیش از ۱۵۰۰ تحریم اقتصادی علیه ایران اعمال کرد و چین نتوانست در مقابل این تحریم‌ها از ایران حمایت عملی کند. حتی «توافقنامه همکاری استراتژیک ۲۵ ساله» ایران و چین که در سال ۲۰۲۱ برای تعمیق روابط اقتصادی و امنیتی امضا شد تاکنون نتوانسته، تأثیر محسوسی بر روابط دو کشور بگذارد. در سال ۲۰۲۳، دو کشور ۲۰ یادداشت تفاهم الحاقی در زمینه تجارت، حمل‌ونقل، فناوری، گردشگری و کشاورزی امضا کردند

تا گام‌های مشخص‌تری در مورد «توافقنامه همکاری استراتژیک ۲۵ ساله» بردارند، اما این تفاهم‌نامه‌ها هم در عمل با بن‌بست مواجه شده است.

موضع چین در قبال پرونده هسته‌ای ایران یکی دیگر از نشانه‌های ملاحظات راهبردی چین در قبال ایران است. موضع چین در این مورد بین ترویج راه‌حل دیپلماتیک تا حمایت از تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد و تا کمک به ایران برای دور زدن تحریم‌ها در نوسان بوده است. به‌عنوان مثال ایران و چین در اوایل دهه ۱۹۹۰ توافقنامه همکاری هسته‌ای را امضا و شروع به همکاری کردند، اما این همکاری بلافاصله پس از فشار ایالات متحده متوقف شد. در سال ۲۰۰۶ نیز چین با تصمیم آژانس بین‌المللی مبنی بر ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت موافقت کرد. حتی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، چین با قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران موافقت نمود که منجر به افزایش فشار اقتصادی بر ایران از طریق تحریم‌های بین‌المللی شد.

همه این موارد نشان‌دهنده همراهی چین با نظم امنیتی چندجانبه است. باوجوداین، چین به تجارت دوجانبه خود با ایران ادامه داد که نشانه‌ای از تلاش این کشور برای دور زدن تحریم‌های ایران بود (Bloomberg, 2022). چین اخیراً به این نتیجه رسیده که همین همکاری را نیز محدود کند چراکه برای این کشور پیامدهای اقتصادی و سیاسی به همراه داشته است. تحریم شرکت هواوی چین توسط آمریکا که در برخی مواقع پیامدهای منفی برای چین به همراه داشته یکی از این موارد است. در مارس ۲۰۱۹ شرکت هواوی اکثر ۲۵۰ کارمند خود در ایران را اخراج کرد. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۹، سازنده رایانه چینی لنوو، توزیع‌کنندگان خود را از فروش به بازار ایران منع کرد (Faucon & Engel Rasmussen, 2019). همه این موارد سطح سرمایه‌گذاری خارجی چین به ایران را کاهش داده است.

یکی دیگر از تأثیرات تفاوت نگاه ایران و چین به نظم بین‌المللی بر روابط دو کشور به کیفیت نگاه پکن به تعارض آمریکا و ایران مربوط می‌شود. دولت چین از چشم‌انداز درگیری احتمالی مسلحانه بین ایران و ایالات متحده به‌ویژه در منطقه خلیج فارس نگران است (Green & Roth, 2021). از دید پکن، هرگونه درگیری بین ایران و آمریکا می‌تواند بازارهای انرژی را که چین برای تقویت رشد خود به آن متکی است، بی‌ثبات کند. از این‌رو عملاً چین به دنبال ثبات در منطقه خلیج فارس است و برخلاف تصور رایج که حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه را به زیان چین می‌دانند، پکن این حضور را برای ثبات منطقه‌ای و امنیت انرژی لازم می‌داند. البته در پشت این مهم سود دیگری نیز برای چین نهفته است. مناقشه ایران و آمریکا در خلیج فارس تا آنجا که به امنیت انرژی لطمه نهد، باعث می‌شود آمریکا در خلیج فارس مشغول شود و فرصت توجه بیشتر به منطقه شرق آسیا را که برای چین بسیار حیاتی است، پیدا نکند (Alterman, 2019:3).

یکی دیگر از موارد، به کیفیت روابط چین با سایر کشورهای خاورمیانه مربوط می‌شود که با ایران در چالش قرار دارند. در دو دهه گذشته، تعمیق روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی چین با رقبای منطقه‌ای ایران مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، چین را مجبور کرده است تا بین روابط خود با ایران و این شرکای نوظهور تعادل ایجاد کند. این مهم به‌ویژه در حوزه همکاری‌های تسلیحاتی ایران و چین خود

را نشان خواهد داد. چراکه تاکنون چین یکی از مهم‌ترین شرکای تسلیحاتی ایران بوده است. به موازات بهبود روابط چین و کشورهای منطقه، پکن یا باید در یک نگرش رئالیستی به همکاری پایاپای تسلیحاتی با ایران و کشورهای عربی خاورمیانه ادامه دهد و ثبات منطقه را از طریق موازنه قدرت برقرار کند و یا در یک نگرش لیبرالیستی به کنترل و محدودسازی تسلیحات اقدام کند و در قالب صلح توسعه‌ای، فضایی از توسعه اقتصادی و هم‌زمان کاهش سطح نگرانی‌های امنیتی را تعقیب نماید. هرکدام از این استراتژی‌ها که در دستور کار چین قرار گیرد، دیگر همکاری‌های نظامی ایران و چین به سطح سابق برنخواهد گشت.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به دلیل تعارض هویتی که با غرب دارد، پایه اصلی سیاست خارجی خود را بر چین استوار کرده است. با این حال چین به دلایل مختلف به این رویکرد راهبردی ایران، آن‌گونه که تهران انتظار دارد، علاقه‌ای نشان نداده است. یکی از علت‌های اصلی این مهم به طرز نگرش چین به نظم بین‌المللی ناشی می‌شود. اگر تعبیر بری بوزان را در خصوص تبیین دیدگاه ایران و چین بکار ببریم باید گفت دیدگاه ایران تجدیدنظرطلب انقلابی است، اما دیدگاه چین تجدیدنظرطلب اصلاحی است. اگر تعبیر کولی را مبنا قرار دهیم، ایران یک نگاه انقلابی دارد، اما چین یک نگاه موقعیت‌گرا. اگر تقسیم‌بندی گادارد را مبنا قرار دهیم ایران یک تجدیدنظرطلب ستیزه‌جو است و چین یک تجدیدنظرطلب میانه‌رو. در نهایت اگر تفسیر شولر مبنا قرار گیرد ایران یک تجدیدنظرطلب نامحدود است، ولی چین یک تجدیدنظرطلب محدود.

بنابراین دیدگاه چین نسبت به نظم بین‌المللی نه تنها با ایران متفاوت است، بلکه حتی چین دیدگاه ایران نسبت به نظم بین‌المللی را در بسیاری از مواقع به زیان خود تلقی می‌کند. در دهه‌های اخیر، چین یکی از ذینفعان اصلی نظم بین‌المللی موجود بوده و هست. بدون چنین نظم، موفقیت اقتصادی چین ممکن نبود، زیرا محیط آرامی را برای رونق اقتصادی این کشور فراهم کرد. طبق برخی برآوردها، قبل از اینکه چین در دوره دنگ شیائوپینگ با نظم بین‌المللی مستقر آشتی کند، ۹۵ درصد از جمعیت چین بر اساس استانداردهای بین‌المللی فقیر بودند. از نظر تولید ناخالص داخلی، چین پنجمین کشور فقیر جهان پس از برمه، نپال، سومالی، بوروندی و گینه بیسائو بود؛ اما امروزه و در پرتوی نظم بین‌المللی لیبرال، چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان، به بزرگ‌ترین صادرکننده جهان و به بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان تبدیل شده است. علاوه بر این، این کشور به یک حلقه مرکزی در زنجیره تأمین جهانی و از یک واردکننده خالص سرمایه‌گذاری خارجی، به یک صادرکننده اصلی سرمایه تبدیل شده است.

تحت چنین شرایطی ایجاد تغییر انقلابی در این نظم، آن‌گونه که مدنظر ایران است، به هیچ‌وجه از سوی چین مقبول به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل با آنکه در بعضی از حوزه‌های اقتصادی، روابط نزدیکی بین ایران و چین وجود دارد، اما در حوزه‌های مهم و استراتژیک، همکاری‌های دو کشور به سختی پیش می‌رود. به نظر می‌رسد چین فقط در زمانی که از ناحیه آمریکا و در حوزه منافع حیاتی خود درگیر شود، از کارت مخالفت ایران با نظم بین‌المللی استفاده می‌نماید. از این منظر ضرورت دارد دستگاه تصمیم‌گیری ایران یک‌بار هم از زاویه نوع نگاه چین به نظم بین‌المللی، به کیفیت رابطه خود و چین بنگرد. این نوع نگاه شاید دید عمیق‌تری در دستگاه تصمیم‌گیری ایران نسبت به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور ایجاد کند.

منابع

- امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه امام. ج ۹، ج ۱۰، ج ۱۲، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- چیت فروش، سجاد، اسلامی، حامد (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی مقولات نظام بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی (ره) و نظریه انتقادی»، فصلنامه مطالعات اسلامی و دفاع مقدس، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- خوش‌باور، داوود (۱۴۰۰)، «نقد و بررسی دو دیدگاه دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی از نگاه روشنفکران ایرانی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۶، پاییز، صص ۸۰-۹۹.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۴)، «دیدگاه‌ها و رویه‌های متناقض حقوق بشر در ایران پس از انقلاب»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال یازدهم، شماره چهار، بهار، صص ۵۷-۷۳.
- شمشیری، علی (۱۳۹۸)، «تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۹-۸۸.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۱)، «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۱۰-۱۷۹.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۹)، «روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به پیوند پایدار»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱ شماره ۳، بهار صص ۹۵-۱۱۳.
- شفیعی، نوذر (۱۴۰۲)، «ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه‌ای: تحلیلی بر میانجیگری چین بین ایران و عربستان»، فصلنامه غرب آسیا، سال اول، شماره اول، تیر، صص ۱-۲۱.
- عباس تبار مقری، رحمت، هاشمی میارکلائی، سید محمد (۱۴۰۰)، «مکانیسم‌ها و راهبردهای تحقق نظم جهانی دینی از دید آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۷۷-۲۰۴.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۴۰۱)، «نظریه نظم نوین انقلابی در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و پنجم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۲۱-۳۶۷.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران و شورای حقوق بشر سازمان ملل از ۱۳۸۴ تاکنون»، فصلنامه حقوق بشر، جلد ۱۰، شماره ۱، صص ۲۵-۴۸.
- یاریان، افسانه، صالحی فارسانی، علی، ابوالفضل‌ی کریمی، حسین (۱۴۰۲)، «جایگاه ایران در سیاست خارجی چین»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان، صص ۶۵۵-۶۷۹.

References

- Aboudouh, Ahmed. (2024), "Yes, China pressured Iran on Red Sea attacks – but only to protect its own ships", Chatham house, <https://www.chathamhouse.org/2024/02/yes-china-pressured-iran-red-sea-attacks-only-protect-its-own-ships>.

- Alterman, Jon B. (2019), "Chinese and Russian Influence in the Middle East", <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-116hhrg36424/pdf/CHRG-116hhrg36424.pdf>.
- Bazoobandi, Sara (2024), "Iran's Strategies in Response To Changes in US-China Relations", <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/mepo.12727>,
- Bloomberg. (2022), "China Gorges On Cheap, Sanctioned Oil From Iran, Venezuela," 2022, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-01-10/china-buys-more-sanctioned-oil-from-iran-venezuela-at-a-bargain#xj4y7vzkg>.
- Buzan, Barry. (2010), "China in international society: is peaceful rise possible", Chinese Journal of International Politics, pp 5-36. <https://academic.oup.com/cjip/article-abstract/3/1/5/582228?redirectedFrom=fulltext>, <https://doi.org/10.1093/cjip/pop014>.
- Chitforosh, Sajad. Eslami, Hamed. (2017), "A comparative study of the categories of the international system from the perspective of Imam Khomeini (RA) and critical theory", Issue. 1, pp.117-132. [In Persian].
- Cooley, A., Nexon, D; Ward, S. (2019), Revising order or challenging the balance of military power? An alternative typology of revisionist and status-quo states. Review of International Studies.
- Faucon, Benoit and Engel Rasmussen, Sune. (2019), "Asian Companies Pull Back from Iran amid U.S. Pressure," Wall Street Journal, <https://www.wsj.com/articles/asian-companies-pull-back-from-iran-amid-u-s-pressure-11556133979>.
- Garver John W. (2006), "China and Iran: Ancient Partners in a Post-Imperial World", <https://www.amazon.com/China-Iran-Ancient-Partners-Post-Imperial/dp/0295986301>.
- Ghaderi Kangavari, Rouhollah. (2022), "Theory of the New Revolutionary Order in International Relations, Strategic Studies Quarterly, Vol. 25. Issue. 2. pp.321-367. [In Persian].
- Goddard, S. E. (2018), Embedded revisionism: Networks, institutions, and challenges to world order. International Organization, 72(4), 763-797. <https://www.cambridge.org/core/journals/international-organization/article/abs/embedded-revisionism-networks-institutions-and-challenges-to-world-order/638F5371CD30CE51C304065D9F2FF360>
- Green, Will, Roth, Taylore. (2021), "China-Iran Relations: A Limited but Enduring Strategic Partners Hafman, bert. (2023), "China emerging and international order, Bert's Newsletter, <https://berthofman.substack.com/p/chinas-rise-and-the-international>.
- Heiran-Nia, Javad. (2022), "How Iran's interpretation of the world order affects its foreign policy", Atlantic Council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-irans-interpretation-of-the-world-order-affects-its-foreign-policy/>.
- Holmquist, Erika and Englund, Johan. (2020), "China and Iran – An Unequal Friendship," Swedish Defense Research Agency, https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/China-Iran_Relations.pdf
- Hong, Yo. (2021), "China-Iran Deal Complements the BRI, but Faces Iranian Domestic Opposition and US Sanctions," Think China, 2021, <https://www.thinkchina.sg/china-iran-deal-complements-bri-faces-iranian-domestic-opposition-and-us-sanctions>.
- hip", https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/China-Iran_Relations.pdf.
- Ikenberry, G. John. (2001), After Victory: Institutions, Strategic Restraint, and the Rebuilding of Order After Major Wars, Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Iranprimer. (2023), "Iran & China: A Trade Lifeline", United State Institute of Peace, <https://iranprimer.usip.org/blog/2023/jun/28/iran-china-trade-lifeline>.
- Imam Khomeini. (1999), Sahifeh Imam, Vol. 9, 10, 12, Tehran: Publications of Imam

- Khomeini Works Editing and Publishing Institute. [In Persian].
- Jinping, Xi. (2022), “Rising to Challenges and Building a Bright Future Through Cooperation”, Keynote Speech by H.E. Xi Jinping President of the People’s Republic of China At the Opening Ceremony of the Boao Forum for Asia ,Annual Conference 2022 ,Beijing, 21 April 2022, fmprc https://www.fmprc.gov.cn/eng/zxxx_662805/202204/t20220421_10671081.html.
 - Khoshbavar, Davood. (2021), “Criticism and analysis of two views of western democracy and religious democracy from the perspective of Iranian intellectuals”, Politics Science, Vol. 17, Issue. 56, pp.80-99. [In Persian].
 - Kynge, James. (2023), “China Blueprint for an Alternative World order”, financial times, <https://www.ft.com/content/8ac52fe7-e9db-48a8-b2f0-7305ab53f4c3>
 - Lowy. (2023), “Compare China and United States”, lowy Institute, <https://power.lowyinstitute.org/compare/?countries=china,united-states>.
 - Li,Quan & Ye, Min. (2019), “China’s emerging partnership network: what, who, where, when and why”, emerald ,<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/ITPD-05-2019-0004/full/pdf?title=chinas-emerging-partnership-network-what-who-where-when-and-why>.
 - Lowy. (2023), “Compare China and United States”, lowy Institute, <https://power.lowyinstitute.org/compare/?countries=china,united-states>.
 - Mazarr, Micheal J.et al. (2016), “Understanding the current international order”, RAND Corporation,https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR1500/RR1598/RAND_RR1598.pdf.
 - Mazarr, Micheal J. et al. (2018), China and international order, RAND Corporation, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2423.html.
 - <http://tradingeconomics.com/china/exports-by-country>.
 - Mohammadi, Fatemeh. (2015), “Review of the International of Islamic Republic of Iran with the United Nations Human Rights Council from 2006 Until Now”, The Journal of Human Rights, Vol. 10, Issue. 1, pp.25-48. [In Persian].
 - Rolland, N. (2020), “China’s Vision for A New World Order”, The National Bureau of Asian Research, No. 83, pp.2-68.
 - Ruggie, John G. (1994), “Third Try at World Order? America and Multilateralism After the Cold War,” Political Science Quarterly, The Academy of Political Science, Vol. 109, No. 4, 1994. pp.553-570.
 - Schuman, Michael. et al. (2023), “How Beijing’s newest global initiatives seek to remake the world order”, <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/how-beijings-newest-global-initiatives-seek-to-remake-the-world-order/>.
 - Schweller, R. (2015), Rising powers and revisionism in emerging international orders. Val-dai Papers, 16, 1-15. <https://valdaiclub.com/files/11391/>.
 - Schweller, Randall L. (2014), “China’s Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination,” International Journal of Korean Unification Studies, 23, 2: 1-40. Available at: <https://repo.kinu.or.kr/bitstream/2015.oak/8906/1/0001477382>. (Accessed 17 November 2021),
 - Shafiee, Nozar. (2023), “Global security and development peace initiative: An analysis of China’s mediation between Iran and Saudi Arabia”, West Asia Journal, Vol. 1. Issue. 1. pp.1-21. [In Persian].
 - Shamshiri, Ali. (2019), “Analysis of considerations for the expansion of strategic relations

- between Iran and China”, Quarterly Holy Defense Studies, Vol. 5, Issue. 2, pp.69-88. [In Persian].
- Shariatinia, Mohsen, (2012), “Determining factors of Iran-China relations”, A Quarterly Journal of Foreign Relations, Vol. 4, Issue. 2, pp.179-210. [In Persian].
 - Shariatinia, Mohsen, (2020), “The New Iran-China-US Triangle”, scientific Quarterly of Political and International approaches, Vol. 11, Issue. 3, pp.95-113. [In Persian].
 - Tabar Moghari, Abbas, et al. (2021), “Mechanisms and strategies for the realization of world religious order from the perspective of Ayatollah Khamenei”, Journal of Islamic Iranian Pattern of Progress Model, Vol. 9, Issue. 4, pp.177-204. [In Persian].
 - Yarian, Afsaneh, et al. (2023), “Iran’s Position in China’s Foreign Policy”, Iranian Research letter of International Politics”, Vol 12, Issue 1, pp.655-679. [In Persian].
 - Zakeiarn, Mehdi. (2015), “The Contradictory Views and Practices of Human Rights in Iran after the Islamic Revolution”, International Studies Journal, Vol. 11, Issue. 4, pp.57-73. [In Persian].
 - Zeitung, Süddeutsche. (2015), “Civilization state versus nation-state”, Martinjacques <http://www.martinjacques.com/articles/civilization-state-versus-nation-state-2/>.